گزارش از یک هسته کارگری

از میان نامه‌های رسیده

گزارش زیر که از جانب یک هسته کارگری سوسیالیستی در ایران تهیه شده در پاسخ به سوالات یکی از رفقای همکار نشریه ارسال شده است که برای اطلاع سایر رفقا منتشر می کنیم . می تواند به روشن کردن برخی مسائل کمک کند و دستکم تجربه مشخص عده‌ای از مبارزین را در اختیار سایرین قرار دهد . به اعتقاد ما چنانچه سایر گروههای درگیر در فعالیت های کارگری نیز تجربیات خود را در اختیار همه قرار دهند ، می تواند به مشخص‌تر شدن مسائل و باز کردن بحث سازنده‌تری در چپ کمک کند و نیز امکانات همکاری بیشتر میان نیروهای مختلف را فراهم سازد . از حذف برخی از نکات امنیتی و تشکیلاتی و یا نکات مربوط به تاکتیک های هسته که نباید دست دشمن بیفتد (با چند نقطه مشخص شده‌اند) و پاره‌ای اطلاعات مختصر انشائی، تغییری در اصل گزارش نداده‌ایم . درضمن ، بدین وسیله آمادگی خود را برای انتشار گزارش های مشابه از تجربیات و فعالیت های سایر مبارزین اعلام می کنیم . برای کمک به رفقا در دنبال کردن بحث ، سوالات طرح شده را نیز در زیر ذکر کرده‌ایم :

۱ ـ وضع تشکیلاتی هسته (تعداد اعضاء و تماس ها ، کارخانه‌های تحت پوشش هسته ، منابع اطلاعاتی)

۲ ـ فعالیت های هسته (کمیته هایی که ایجاد کرده‌اید ، کمیته هایی که می شناسید ، سایر تشکیلات کارگری که می‌شناسید)

۳ ـ وضع کارگران مبارز (تعدادی که می شناسید ، تعلقات گروهی یا عقیدتی ، نظریات و مسائل عمده آنان)

۴ ـ مباحثات هسته (وضع مطالعاتی و آموزشی هسته ، مسائل مورد بحث و اختلافات درونی)

۵ ـ وضع جنبش کارگری (ارزیابی کلی هسته ، مسائل مبرم اقتصادی و سیاسی کارگران ، سطح سازمانیافتگی)

۶ ـ وضع نیروهای رژیم (انجمن های اسلامی ، جاسوسان مدیریت ، عناصر گروهای خائن)

۷ ـ جهت‌گیری اصلی هسته (نظرات هسته درباره طرح ایجاد کمیته‌های کارگران پیشرو ، اتحادیه‌های مخفی ، تشکیلات سراسری ، اعتصابات)

۸ ـ پیشنهادات شما به نشریه (مباحثات تئوریک ، ترکیب مقالات ، مسائل سازمانی)

* * *

۱ـ اول باید گفت هسته ما کوچک است و در نتیجه اطلاعات آن هم محدود است ... جمعا فقط در شش کارخانه عضو داریم و از طریق تماس‌های نزدیک از اوضاع چهار کارخانه دیگر هم خبر داریم ... این چند کارخانه جمعا چیزی در حدود ۷ هزار کارگر دارند . و ارتباط مستقیم ما با جنبش کارگری و کارگران مبارز به همین خلاصه می شود ... بقیه اطلاعات ما دست دوم است و غیر از چیزهایی که از طریق محلات کارگری می شنویم از جاهای دیگر اطلاع درستی نداریم . در اینجا هیچ نشریه یا اعلامیه‌ای بدست ما نمی رسد و غیر از چیزهایی که از طریق شما می گیریم از گروه‌های دیگر خبر نداریم ... یکی از مسائل عمده ما هم همین کمبود خبر است . از طریق نشریات قانونی (مثلا نشریه خانه کارگر) هم نمی شود اطلاعات درستی گرفت . چیزی که برای ما مهم است اخبار مبارزات است و البته در این نوع نشریات که در هر حال طرفدار رژیم هستند هیچ وقت از مبارزه خبری نیست ... پس باید در نظر بگیرید که جواب های ما شاید فقط راجع به وضع خود ما درست باشد و در جاهای دیگر وضع اینطور نباشد ...

۲ ـ تا بحال توانسته‌ایم در سه کارخانه کمیته کارگران مبارز را بسازیم . عمر دو کمیته از عمر هسته طولانی تر است . نزدیک به دو سال است که وجود دارند و می شود گفت که جای خود را در کارخانه محکم کرده‌اند . کار عمده آنها افشاگری است و بتدریج حمایت بخش عمده‌ای از کارگران را جلب کرده‌اند . ما مطمئنیم که در مواقع حساس اکثریت را با خود خواهند داشت . تجربه تلخ به ما نشان داده است که مهمترین اصل امنیتی خودداری از هرگونه تماس سیاسی مستقیم با سایر کارگران است ... کمیته سوم جدید است و هنوز چندان فعالیت بیرونی نکرده . با استفاده از تجربه قبلی این بار محتاطانه‌تر پیش می رویم . روش اجباری کار مخفی و غیرمستقیم کمیته مساله جلب اعتماد کارگران را عمده می کند . باید مرحله اول کار را به فعالیت هایی که این مساله را حل کند اختصاص بدهیم . .. در هر سه کمیته غیر از رفقا و تماس های ما کارگران مبارز دیگر هم کار می کنند و اکثریت با آنهاست . در هر سه در کنار بحث های مربوط به مسائل روزمره کارخانه و فعالیت های خود کمیته بحث های مرتب سیاسی هم داریم و این در نزدیک تر شدن اعضاء کمیته به هم موثر است . و در ضمن برای محکم کردن تعهدات اعضاء کمیته و روشن کردن برنامه کار هم مفید است . در یکی از کمیته‌ها که همه کمونیزم را قبول دارند حتی بحث های ایدئولوژیک و برنامه آموزش مارکسیزم هم داریم . ولی در دو کمیته دیگر کارگران غیرکمونیست و حتی مذهبی هم داریم ... در سه کارخانه دیگر ما کمیته‌ای نساخته‌ایم و از وجود کمیته های دیگری هم خبر ندارید . ولی با چند کارگر مبارز اتحاد عمل داریم و بعضی اوقات می توانیم مداخلاتی داشته باشیم. در یکی از این کارخانه‌ها احتمالا خواهیم توانست یک کمیته بسازیم . ولیکن در دو کارخانه دیگر وضع طوری است که چند کارگر مبارز که در ضمن نقش مهمی نیز در کارخانه دارند مخالف ایجاد چنین کمیته‌هایی هستند . و بدون آنها و یا برخلاف آنها کار صحیحی نیست ... در یکی از چهار کارخانه دیگر می دانیم که کمیته متشکلی وجود دارد . اثرات کار شان را می بینیم ... ولی هنوز تماسی ایجاد نکرده‌ایم . در یکی دیگر بوسیله تماس خود در جریان ایجاد یک کمیته قرار داریم ... اضافه بر این ها در تماس با نماینده یک محفل کارگری هستیم که ظاهرا با چند کارخانه ارتباط دارند ... فعلا از حد تبادل نظر جلوتر نرفته‌ایم . به گفته او از این نوع محافل زیاد ند . اطلاعات ما هم تا اندازه‌ای این را تایید می کند ... ولی به نظر نمی رسد که این محفل فعالیت مشخصی را سازمان بدهد . بیشتر فقط یک محفل است .. درضمن مشغول مذاکره با چند نفر هستیم که قبلا در کارهای اتحادیه‌ای تجربه داشته‌اند . متاسفانه تجربه شان به کارگاه‌های کوچک محدود می شود ...

۳ ـ ... جمعا با در حدود ۳۵ کارگر مبارز در ارتباطیم . برخی بطور مستقیم ولی اکثریت بطور غیرمستقیم ... از این عده اکثریت با کارگران غیرکمونیست است . بیشتر یا قبلا طرفدار خمینی و یا

www.hks-iran.com

طرفدار مجاهدین بوده‌اند. اکثر آنهایی که طرفدار مجاهدین بوده‌اند هنوزهم از لحاظ بینش کلی همان عقاید را دارند. ولی تا جایی که ما می دانیم هیچ کدام ارتباط تشکیلاتی با مجاهدین ندارند ... تعدادکمی از آنها از سیاست های فعلی سازمان خبردارند و قادر به دفاع از آن نیستند. اکثر آنها نمی‌دانند که مجاهدین چه می‌گویند وچه می‌کنند و حرف کسی را هم قبول نمی‌کنند. چندین نفرشان بطور قطعی از سیاست سازمان بریده‌اند و خودشان اختلاف عمده خود را بخاطر طرز سازمان با سرمایه‌داران می دانند ... اینها اغلب با کارگران کمونیست همکاری می کنند ولی بقیه کمتر در کارهای مشترک درگیر می شوند. بیشترشان ترجیح می دهند که منفرد باقی بمانند و اصولا فعالیت چندانی نکنند ... درمیان کارگران کمونیست اکثریت با آنهایی است که از عقیده خاصی و یا گروه خاصی طرفداری نمی کنند. و این فقط بخاطر مخفی کاری نیست و همین طور فقط هم به دلیل بریدن از گروه‌ها نیست. اصولا براساس غرایز طبقاتی و برخی عقاید کلی به سوسیالیزم جلب شده‌اند و فرصت اینکه جلب گروه خاصی بشوند نبوده‌است. اینها نیروی اصلی ما برای سازماندهی هستند. ولی متاسفانه اغلب شان تجربه کار مخفی سازمانی ندارند و با اینکه با محیط کارخانه خوب آشنا هستند گاهی کار دست ما می دهند ... درمیان طرفداران سابق یا فعلی گروه‌ها اکثریت بترتیب با کارگران فدائی و پیکاری است. اینها هم اغلب ارتباط تشکیلاتی ندارند. و نمی شود نظری کلی درباره همه آنها داد. درهرحال از رفقای فدایی سابق چندنفر با ما همکاری می کنند و با خط کمیته ساختن تقریبا موافقند ... رفقای پیکاری سابق چندان موافق تاکید ما بر جنبه‌های سیاسی و تشکیلاتی کار نیستند. آنها عمدتا معتقدند که باید فقط موقعی که اعتراضات خودبخودی کارگران بالا می گیرد مداخله کرد ... روی هم‌رفته مشکلات ما با رفقای مبارز طرفداران گروه‌ها بیشتر است. آنطور که باید و شاید به اتحاد عمل اعتقاد ندارند و هروقت که خواسته‌ایم کار مشترکی بکنیم بقدری بر سر این کلمه و آن کلمه در یک شعار کلی بحث کرده‌ایم که به اصل کار نرسیده‌ایم. با اینکه خفقان چند سال اخیر همه را به هم نزدیک تر کرده ولی هنوز روحیات سابق بطور کلی بین نرفته ... اضافه بر اینها با چند فرد اتفاقا صاحب نظر هم در ارتباطیم که هنوز تعلقات گروهی آنها برای ما روشن نشده. به اعتقاد ما از خط مشی مشخصی پیروی نمی کنند و بیشتر بر اساس مطالعات شخصی به نظرات فعلی خود رسیده‌اند. درهرحال اینها هم چندان موافق کار متشکل نیستند ...

۴ ـ هسته‌دارای یک برنامه مطالعاتی آموزشی است که خیلی کند جلو می رود ولی جلو می رود. همه اعضای هسته تقریبا بر سر مساله مفهوم سرمایه‌داری و ضرورت انقلاب کارگری روشنند و می توانند اگر لازم شود با دیگران بحث کنند. فعلا مشغول کار بر سر مساله برنامه انقلابی و حزب انقلابی هستیم. همه اعضای هسته ما نیفست و دولت و انقلاب والفبا را خوانده‌اند. الفبا برای آموزش کتاب خوبی است ولی اگر مفصل تر بود و ساده‌تر بهتر بود. یک مساله ما کمبود کتاب است. هنوز آرشیو مختصری از برخی مقالات و جزوات قدیمی را نگه داشته‌ایم که بخصوص برای تماس های ما لازم است. درباره مطالبی که می رسد هم همیشه بحث می کنیم. اما همه اینها کم است. بخصوص جزوات و مقالات ساده آموزشی درباره مسائل سوسیالیزم خیلی لازم است. بعلاوه محتاج بحث مرتب بر سر اوضاع سیاسی هستیم. ولی مطلب کم داریم. دو مقاله‌ای که درباره جنگ و انتخابات بدست ما رسید مفید بود ولی خیلی کلی بودند. به مقالات مهم گروه‌های دیگر هم احتیاج داریم. بخصوص هر مطلبی که درباره جنبش کارگری و یا مسائل عمده سیاسی می نویسند. اینها برای بحث با دیگران لازمند. بعلاوه در بحث های درونی هسته دیده‌ایم که در مورد چند مساله محتاج مطلب بیشتر هستیم. اولی تجربیات اعتصابات در شرایط خفقان وآشنایی بیشتر با تاریخچه مفهوم اعتصاب عمومی در جنبش کارگری است. دومی تجربیات بین المللی کار سازماندهی در میان کارگران در شرایط خفقان و در شرایط فقدان یک سازمان سراسری است. سومی مساله چگونگی احیاء شوراهای کارگری در ایران و تجربه شورایی بطور کلی است. بعلاوه در مورد کار رویژه در میان کارگران زن به خصوص در کارخانه‌هایی که بخش عمده نیروی کار را زنان تشکیل می دهند و کار در میان زنان خانه‌دار هم غیر از کلیات زیاد آشنا نیستیم. و در طول بحث های آموزشی چند مساله برای ما مطرح شده که مهمترین شان از این قرارند. آیا انقلاب ایران انقلابی مستقیما سوسیالیستی است یا انقلابی دموکراتیک که به انقلاب سوسیالیستی تبدیل می شود؟ اکثریت ما معتقدیم که جنبش انقلابی می‌تواند اول حول شعارهای دموکراتیک آغاز شود ولی این را نباید با انقلاب دموکراتیک اشتباه گرفت. جنبش انقلابی حتی اگر فقط دور مسائل دموکراتیک آغاز شود بسرعت انقلاب کارگری را مطرح خواهد کرد. ولی چندنفر از رفقا معتقدند که این نظریه نادرست است و به معنی کنار گذاشتن تئوری انقلاب مداوم است ... درهمین رابطه یک مساله دیگر برای ما مطرح است. آیا ائتلاف های طبقاتی در آغاز انقلاب و در مراحل درست قبل از تسخیر قدرت یکی هستند و یا فرق می کنند؟ نوشته‌ای که رسید ... به نظر اکثریت ما درست می آید. تا جایی که ما می فهمیم موضع آن این است که انقلاب ایران انقلابی است کارگری سوسیالیستی با تکالیف مرکب و در مورد ائتلاف های طبقاتی بین دوره مبارزه برای تسخیر قدرت و دوره بعد از تسخیر قدرت فرق می گذارد. ولی در مورد دوره آغاز جنبش انقلابی روشن نیست.. باز درهمین رابطه یک مساله همه ما را گیج کرده‌است. آیا رژیم خمینی عاقبت جامعه را به عقب برده یا به جلو؟ آیا وزنه وظایف دموکراتیک و طبقات غیرپرولتری بیشتر شده یا کمتر؟ درضمن در مورد شرایط انقلابی هم ناروشنی زیاد است. بحث های اخیر ... باعث طرح مساله و ناروشنی بیشتر شده. مفهوم شرایط عینی انقلابی را می فهمیم ولی این با مفهوم شرایط پیشا انقلابی و شرایط انقلابی چه تفاوتی دارد؟ ... درهرحال به نظر همه ما باید رفقای واردتر درباره اوضاع فعلی سرمایه‌داری در ایران کار بکنند. آیا وضع سرمایه‌داری بتدریج مثل زمان شاه خواهد شد و یا اینکه تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد شده‌است؟ نام این ها را نمی شود اختلاف گذاشت. ولی بر سر دو مساله مهم واقعا اختلاف داریم. اولی موقع انتخابات بیرون زد. به عقیده ما چندنفر از رفقا به لزوم استفاده از برخی امکانات محدود کار علنی اعتقاد ندارند ... دومی بر سر مفهوم جبهه واحد است. اقلیتی از رفقا معتقدند که چون سازمان مجاهدین بورژوایی است با آنها نمی توان وارد جبهه واحد شد. ولی اکثریت معتقدیم که باید پایه‌های کارگری آن را به درون جبهه واحد کشید و این باعث می شود که نحوه برخورد ما با خود سازمان هم این مساله را در نظر بگیرد ... در مورد اوضاع کلی چپ و وضع کلی خود ما هم ناروشنیم ...

۵ ـ دو نکته مهم در تحلیل ما از اوضاع جنبش کارگری اینها هستند: اولا حملات رژیم و سرمایه‌داران علیه طبقه کارگر بقدری شدید و آشکار شده که دیگر حتی عقب افتاده‌ترین کارگران هم اهمیت مقاومت در برابر آن را فهمیده‌اند. و این دو سه سال پیش صحت نداشت. دوما میزان اعتراضات علنی کارگران بطرز قابل ملاحظه‌ای زیاد شده و در بسیاری از کارخانه‌ها کوچکترین مساله می تواند به اعتراضات وسیع منجر شود. این هم تازه‌است. تقریبا در اغلب جاها غیر از مشتی عناصر واقعا مزدور که کاملا منزوی هستند اکثریت عظیم کارگران مخالف رژیم شده‌اند. حتی بسیاری از عناصر سابق انجمن های اسلامی هم بطور علنی مخالفت می کنند ... در بعضی از کارخانه‌های تحت پوشش ما تعداد اخراجی ها از میان اینها از همه بیشتر است. خلاصه اینکه روحیه مبارزه‌جویی کاملا با دو سال پیش فرق کرده. ولی بدبختی اینجاست که در این دو سال وضع تشکل طبقه تغییر نکرده

www.hks-iran.com

است . تدارک مهمی صورت نگرفته ... مسائل اقتصادی کارگران بقدری زیادندکه دست گذاشتن روی چندمساله کارساده‌ای نیست . ازمساله بیکاری ومشکل مسکن گرفته تا سطح دستمزدها وشرایط کار وازتورم وکمبودها گرفته تا اخراج های دائمی وساعات زیادکار و ازهرچه بدترشدن وضع بیمه وبهداشت گرفته تا دیکتاتوری وحشیانه مدیریت همگی مسائل مهم هستند . بخصوص دررابطه با یک کارخانه مشخص تمرکز برسرچندخواست فایدهٔ زیادی ندارد . هرمساله‌ای می تواندباعث اعتراضات شود . کسی برسرمسائل ناروشن نیست . مساله فقط خفقان وتناسب قواست . ولی اگرقرارباشدچندخواست عمومی اقتصادی را برای تبلیغات سراسری عمده کنیم به عقیده ما هنوزهم مساله افزایش دستمزدحداقل ودستمزدها بطورکلی وربط دادن شان به مساله تورم همگانی است . به این باید خواست پنجشنبه تعطیلی و۴۰ ساعت کاردرهفته را هم اضافه کرد . کارومسکن برای همه هم شعار بسیار مهمی است . به عقیده ما یکی ازمهمترین مسائل جنبش توده‌ای آتی همین مساله خواهدبود . اگرطبقه کارگر بتواندبرای این شعاربجنگد مطمئنا ازپشتیبانی توده‌های وسیع تهیدست شهری هم برخوردارمی شود . وراه خالی کردن زیرپای رژیم هم همین است . ولی همه این ها به‌شرطی اهمیت دارندکه درسطح سراسری مطرح شوند . ولی با وضع فعلی گروه‌ها وتشکل های موجود چنین امیدی بی جاست ... به‌همین خاطرمساله جبهه واحد امروز مهمترازدوسال قبل است . حتی اگرچندگروه با هم برسراین مسائل همگانی فقط یک اعلامیه مشترک بدهندوتاجایی که می توانند آن را درسطح سراسری پخش کنندتاثرش زیادخواهدبود . این کاردرروحیه کارگران مبارزمنفردتاثیرخواهدداشت . وچنین کاری ازعهده ما درایننجاخارج است ... ازلحاظ سیاسی مهمترین مسائل روزکارگران دورمساله قوانین ضدکارگری رژیم است وازهمه اینها مهمتر قانون کارپیشنهادی است . این مساله ازمساله طرح پیشنهادی قانون شوراها وانجمن های اسلامی بسیارمهمتراست وتوجه بخش بزرگی ازطبقه کارگررا بخودجلب کرده است . عملا غیرازبخش کوچکی ازکارگران کسی دیگرتوهمی دررابطه با امکانات کارازطریق شوراهای اسلامی موردقبول رژیم ندارد . تجربه قبلی ما هم نشان داده است که اگردوباره هم این شوراها براه بیفتندتحریم خواهندشد . بخصوص اینکه طرح فعلی رژیم که تازه همین هم با مخالفت مدیریت مواجه شده شوراها را به چیزی شبیه سندیکاهای زمان شاه تبدیل خواهد کرد . بخشی ازطرفداران خودرژیم برسراین مساله بسیارفعالیت می کنندوالبته اگراین کاربه گشایش هایی منجرشودباید استفاده کرد . ولی به عقیده ما خودما بایدکماکان شعارتحریم این شوراهای زردوانجمن های اسلامی جاسوس را رها نکنیم . دراعتراض علیه قانون کارهم بخشی ازپایه های خودرژیم شرکت داشتند . ولی این اعتراض جنبه عمومی تری داشت وبهمین خاطرنه تنها رژیم فورا عقب نشست ومساله را به آینده نامعلوم موکول کردبلکه با توافق دربالا حتی به پایه های خودحمله ورشد . تبلیغات برسراین مساله بردزیادی خواهدداشت . متاسفانه بازامکانات محدوداجازه کارزیادی را نمی‌دهد . تبلیغات ما فعلا به سطح کارخانه های منفرد محدودشده است ... مساله جنگ هم هرروزمهمترمی شود . درکارخانه هایی که ما می‌شناسیم حتی آنهایی که دراوایل جنگ خوددا وطلب رفتن به جبهه ها شدند امروزهم مخالف ادامه جنگ هستندوهم ازکارخودپشیمان شده اند . سربازگیری اجباری رژیم برای بسیاری ازخانواده های کارگری مساله عمده‌ای شده است . بدون استثناء درهمه کارخانه های تحت پوشش ما یا ازمیان خودکارگران ویا ازافرادخانواده آنها کشته و معلول داشته ایم . شعارهایی ازقبیل به جنگ خاتمه دهیدویا جنگ خمینی را تحریم کنیدا ثرات خوبی داشته است . درضمن ما با شعارصلح موافق نیستیم . این شعارکل مساله را به مذاکره میان دورژیم خلاصه می کندوشعاربخشی ازخودرژیم است . درصورتی که هدف ما درگیرکردن توده‌ها درخاتمه دادن به جنگ است . وجهت دادن به این حرکت درمسیرضدرژیم ... به عقیده ما تبلیغات برسرشعار زندانیان سیاسی را آزادکنیدویا زندان های خمینی را بازکنید هم باید جدی گرفته شود . بازبدون استثناء کارگران همه کارخانه ها های تحت پوشش ما یک یا چندنفرزندانی سیاسی داده اند . بخصوص دراوضاع فعلی واحیاء مجددروحیه مبارزه جویی توجه به این مساله اهمیت دارد ... ولی مهمترین مساله جنبش کارگری همان مساله فقدان تشکیلات کارگری است . درزمان اوج جنبش کارگری تلاشی برای ایجادتشکیلات سراسری انجام نشدودردوره خفقان فعلی فقدان هرگونه تشکیلات توده‌ای محسوس است . لااقل اکثرکارگران مبارز امروزاین مساله را درک کرده اندویکی ازمهمترین مسائل مورد بحث دراغلب محافل موجودهمین نکته است . تجربه محدودما نشان می دهدکه بتدریج تلاش برای ایجادکمیته های مخفی کارگران مبارز به عنوان تنها راه واقع بینانه به یک گرایش بالنسبه عمومی تبدیل شده است ...

۶ ـ دراغلب کارخانه ها با وجوداینکه به‌دلایل واضح کمتر کسی بطورعلنی با رژیم ضدیت می کندمی شودگفت که پایه های رژیم ازبین رفته اند . انجمن های اسلامی عملا محوشده اند . پس ازاتمام نقش ارتجاعی این انجمن ها درمنحرف ساختن مبارزات شورایی و کمک به ارگان های سرکوبگررژیم درقلع وقمع کارگران مبارزحتی خودمدیریت به جان آنها افتاد . بخشی ازخودرژیم هنوزحامی این انجمن هاست وبه هزاران وسیله برای احیای آنها تلاش می کنند . آنچه قدرت آنها را تضعیف کرده فقط حملات مدیریت نیست . نفرت وسیع کارگران دراغلب کارخانه ها امکان احیای مجددانجمن های اسلامی را حذف کرده است . دریکی ازکارخانه ها این نفرت تا بدان حدبودکه اکثرکارگران حتی علیرغم مخالفت کمیته ما وبسیاری از کارگران مبارزدیگربا مدیریت علیه انجمن اسلامی متحدشدند ... ولی به عقیده ما نمی شوداز این مساله به‌همین سادگی گذشت . در اوضاع فعلی که مبارزات کارگران روبه رشداست احتمال اینکه رژیم دوباره به‌این انجمن ها متوسل شودزیاداست . خانه کارگر دوباره خیلی فعال شده است وبعدازمدتها که خبرزیادی نبود به برگزاری سمینارو کنفرانس دست زده . درشرایط فقدان سازمان های کارگری احتمال اینکه دربرخی کارخانه ها کارگران دوباره فریب این انجمن ها را بخورندزیاداست . لااقل به این بهانه که ازاین طریق خواست های خودرا مطرح کنند . بایدمواظب این پدیده بود . ما خودیک نمونه اخیرداریم . دریکی ازکارخانه ها همین چندماه پیش در رابطه با مساله پاداش افزایش تولیدا عضاء انجمن اسلامی عملارهبری را دردست گرفتندوتوانستندبا گرفتن امتیازات جزیی ازمدیریت جوآرام کنند . ما علیه این ماجراوسازش نهایی افشاءگری کردیم ولی بهرحال یکی ازرفقا را به میان شان فرستادیم که بدین وسیله با کارگران بیشتری آشنا شویم ... چیزی که دراین دوره زیادشده جاسوسان مستقیم مدیریت است . اینها دراغلب بخش های تولید حضوردارندوبطورمرتب حرکات وگفتگوهای کارگران را گزارش می‌دهند . یکی ازکارهای عمده ما شناسایی وافشای اینهاست ... در ضمن این کاربرای جلب اعتمادکارگران هم بسیارلازم است . بعلاوه بایدبدین وسیله جواعراب مدیریت درکف کارخانه را با ایجادجو ارعاب علیه جاسوسان آن خنثی کرد . نقش طرفداران گروه های خائن را هم نبایدفراموش کرد . بخصوص اکثریتی ها . دردوره قبلی اصولا عناصرتوده‌ای بیشتردرمیان مهندسین وخودمدیریت بودند ولی کارگراکثریتی زیادبودوهنوزهم هستند . اغلب شان چه برای مدیریت وچه کارگران شناخته شده هستندونه مدیریت می تواندازآنها استفاده کندونه کارگران نزدیک آنها می شوند . اغلب اینها برای خلاص کردن خوداطلاعات زیادی را دراختیارمقامات قراردادند . اکثراینها دلسردشده اندوتقریبا هیچ گونه فعالیتی نمی‌کنند . برخی شدیدا ضدچپ هم شده اند . ولی بعضی مواضع قبلی خود را

www.hks-iran.com

عوض کرده اند و فعلا مخالف رژیم هستند... ما هنوز معتقدیم باید با اینها هم محتاطانه برخورد کرد. در چند مورد ما دیده ایم که مدیریت ازمیان همین ها جاسوس گرفته است... تا موقعی که در عمل به ما ثابت نشود که اینها واقعا عوض شده اند روحیه عدم اعتماد را حفظ می کنیم. درضمن نمی دانیم چه خبر است ولی به ناگهان بعضی از اینها طرفدار مجاهدین شده اند...

۷ـ خط مشی اصلی ما همان است که از مدتها قبل دنبال می کنیم. یعنی کمک به ایجاد کمیته های کارگری در کارخانه ها و کمک به ایجاد ارتباط میان کمیته های موجود در مناطق مشترک. با در نظر گرفتن وضع فعلی نیروهای چپ و سطح فعلی سازمانیافتگی جنبش کارگری راه دیگری به نظر ما نمی رسد. و همه بر سر این مساله توافق داریم. تجربه کار این دوره هم کاملا نشان داده که تنها راه همین است. اولا ثابت شده که این کار شدنی است. دوما ثابت شده که خود کارگران مبارز هم بطور مستقل همین روش را پیش گرفته اند. این کمیته ها نه الزاما کمیته اعتصاب هستند و نه شباهتی به اتحادیه های کارگری دارند. ولی می توانند در شرایط مساعد نقش هر دو را بازی کنند. به عقیده ما در شرایط فعلی نه می توان کمیته اعتصاب ساخت و نه اتحادیه کارگری. کمیته اعتصاب به معنی دقیق کلمه فقط می تواند در دوره خاصی که موج اعتصابات براه می افتد ساخته شود و موقتی خواهد بود در صورتی که کمیته های مورد نظر ما برای کل این دوره دائمی است. کمیته اعتصاب نقش سازماندهی اعتصاب را بعهده دارد و باید تا اندازه زیادی علنی و منتخب کارگران باشد. درصورتی که کمیته های کارگران مبارز حتی در زمان اعتصاب هم نباید علنی شوند. اتحادیه های کارگری هم اگر پایه وسیع توده ای نداشته باشد اتحادیه نیست. وچنین تشکیلات وسیع توده ای در اوضاع فعلی غیرممکن است. اگر در دوره قبلی ایجاد شده بودند و در بین کارگران پایه داشتند امروز با وجود جو خفقان می شد با استفاده از شبکه قبلی بطور مخفیانه سازمان داد و تشکیلات وسیعی را بتدریج احیاء کرد. ولی چنین شبکه ای از قبل موجود نیست و در اوضاع فعلی هم نمی شود شبکه های گسترده ساخت. بسرعت ضربه می خورند. تجربه هم این نکته را ثابت کرده... البته اگر یک حزب کارگری نیرومند وجود داشت وضع فرق می کرد. با استفاده از شبکه حزبی می شد شبکه وسیع اتحادیه ای هم ایجاد کرد. ولی واضح است که نه چنین حزبی وجود دارد و نه هیچ گروهی در حال تبدیل شدن به چنین چیزی است. حتی اگر همه گروه ها با هم متحد شوند با زتناسب قوا اجازه تشکیل اتحادیه نمی دهد ولی کمیته کارگران مبارز حتی بدون توافق گروه ها می تواند ایجاد شود. دقیقا بهمین خاطر خود کارگران مبارز به این شکل از سازماندهی جلب شده اند. و دقیقا بهمین خاطر شرکت گروه ها در این مبارزه می تواند کمک موثری هم در ایجاد کمیته ها و هم در جهت دادن و هم آهنگ کردن آنها باشد. به عقیده ما باید همه گروه هائی که به کار در میان کارگران اهمیت می دهند بر اساس امکانات خودشان شبکه هایی از کمیته های کارگری که در سطح هر کارخانه متکی بر وحدت عمل کارگران مبارز است ایجاد کنند... سپس بر اساس مذاکره میان گروه ها و توافق بر سر یک برنامه عمل مشترک و با رعایت همه مسائل تشکیلاتی امنیتی به یک شکلی از کمیته ها هماهنگی در سطح منطقه ای برسند. تنها راه ایجاد تشکیلات سراسری همین است. البته تناسب قوا به شکلی است که حتی اگر چنین کمیته های هماهنگی بین گروه های دارای ارتباط با چندین کمیته کارخانه ایجاد شود این فقط بخش کوچکی از صنعت و حتی فقط اقلیت کوچکی از کمیته های موجود را شامل می شود. ولی تبلیغات سراسری متکی بر همین اشکال ابتدایی هماهنگی می تواند در عمل به سایر کمیته های مستقل هم جهت بدهد. در این حالت شاید بشود بر اساس تمام امکانات موجود به فکر ایجاد اتحادیه های سراسری مخفی هم افتاد والا ما نمی دانیم چگونه می شود اتحادیه ساخت... تجربه به ما ثابت کرده که در صورت وجود کمیته های کارگران مبارز که در کارخانه ریشه داشته باشند در اوضاع مساعد و در شرایطی که جو کارخانه تغییر کند امکان سازماندهی موفقیت آمیز اعتصابات وجود دارد... قبلا ما معتقد بودیم که اعتصابات منفرد محکوم به شکست هستند. ولی بحران فعلی رژیم و توسعه اعتراضات توده ای وضعی را ایجاد کرده که حتی اعتصابات محدود به یک کارخانه منفرد هم می توانند به موفقیت هایی دست یابند. بنابراین با اینکه هنوز هم تلاش عمده باید در من زدن به اعتصابات گسترده تر باشد باید کار عملی سازماندهی اعتصاب های پراکنده در شرایط مساعد را هم جدی گرفت. در اوضاع فعلی تاکید بر افزایش اعتصابات بطور کلی باید جهت گیری اصلی ما را تشکیل دهد...

۸ ـ پیشنهادات ما برای نشریه: (۱) ـ افزایش مقالات مربوط به مسائل مشخص جنبش کارگری چه در ایران و چه در جهان. (۲) ـ افزایش مقالات درباره اوضاع سیاسی ایران. (۳) ـ آغاز بررسی دقیق تر تجربه انقلاب. (۴) ـ آغاز بررسی کارنامه گروه ها در انقلاب. (۵) ـ بررسی نظریات گروه های دیگر درباره مسائل جنبش کارگری. (۶) ـ تاکید بیشتر بر مسائل ایران در بحث های تئوریک. (۷) ـ تاکید بیشتر بر مقالات آموزشی. (۸) ـ توجه به فعالیت های طرفداران نشریه. (۹) ـ آشنا کردن چپ ایران با مسائل چپ در سطح بین المللی. به عقیده ما تا بحال به این جنبه ها توجه کافی نشده. و باید در دوره جدید واقعا کار هم جدی باشد... وضع تشکیلاتی نشریه هم باید روشن باشد. به عقیده ما هم تنها طرح واقع بینانه این است که نشریه به یک ارگان هماهنگی مجموعه ای از هسته های مداخله گر تبدیل شود. والبته در اوضاع فعلی مداخله را نباید به مداخله سیاسی صرف کاهش داد. باید در بحث های درون جنبش هم شرکت فعال داشت. پیشنهاد ما این است که هرچه زودتر جمعبندی فعلی هسته های موجود را درباره ماهیت نشریه و اهداف و اصول آن منتشر کنید. می دانیم گفتنش از انجامدادنش ساده تر است. ولی برای ما اینجا مهم است... لااقل یک نوشته مفصل تر درباره اینکه اصول فعلی سوسیالیست های انقلابی چیست منتشر کنید. و در این نوشته روشن کنید بر سر کدام مسائل میان ما بحث هست. و بر سر کدام مسائل با دیگران بحث داریم. اگر هم نمی شود به توافق مشترک رسید لااقل با امضاء بنویسید. خود این کار بحث را بازتر می کند و تمایلات اولیه را روشن می کند...

* * *

یک تذکر:

اگر رفیقی مایل به رسیدن مطلبی (سوال، پیشنهاد و یا انتقاد) بدست این هسته است، به آدرس نشریه ارسال کند. به شرط آنکه خلاصه باشد به رفقا می رسانیم.

www.hks-iran.com